



کفتارهای
زطر عیب بر باد

حسین هوشنگی، محسن جوادی
ابراهیم فیاض، سیدعلی سیدی فرد

فهرست

مقدمه ناشر | ۷

بخش اول: نگاهی به نظریه اعتباریات و رابطه آن با علوم انسانی (دکتر حسین هوشنگی) | ۹

- ❁ مقدمه | ۱۱
- ❁ پیشینه و ریشه نظریه اعتباریات در علوم اسلامی | ۱۴
- ❁ نظریه اعتباریات در آثار مختلف علامه طباطبایی رحمته الله علیه | ۱۵
- ❁ نظریه اعتباریات و حوزه‌های مرتبط | ۱۶
- ❁ رویکرد روشی علامه در نظریه اعتباریات | ۲۰
- ❁ معنای اصطلاحی اعتبار | ۲۱
- ❁ فرایند اعتبار | ۲۲
- ❁ تقسیم‌بندی اعتبارات | ۲۵
- ❁ نظریه اعتباریات و امر اجتماعی | ۲۶
- ❁ نظریه اعتباریات و سوبژکتیویسم علوم انسانی و اجتماعی | ۳۱
- ❁ نظریه اعتباریات و رابطه فرهنگ و طبیعت | ۳۳

بخش دوم: نسبی‌گرایی فرهنگی، اخلاقی و نظریه اعتباریات (دکتر محسن جوادی) | ۳۷

- ❁ مفهوم نسبی‌گرایی فرهنگی در علوم اجتماعی | ۳۹
- ❁ نسبی‌گرایی توصیفی و نسبی‌گرایی فرهنگی | ۳۹
- ❁ نسبی‌گرایی فرااخلاقی و نسبی‌گرایی هنجاری | ۴۵
- ❁ نظریه اعتباریات و نسبت‌گرایی در حوزه اخلاق | ۵۲

راه‌کار شهید مطهری برای حل مسئله نسبیت‌گرایی اخلاقی در نظریه اعتباریات | ۵۵

راه‌کاری دیگر برای حل مسئله نسبیت‌گرایی اخلاقی در نظریه اعتباریات | ۵۸

نظریه اعتباریات و مسئله انگیزش اخلاقی | ۶۰

بخش سوم: نظریه اعتباریات و مسئله فرهنگ (دکتر ابراهیم فیاض) | ۶۳

مسئله اعتباریات و نظریه پردازان جهان مدرن | ۶۵

عرفان، فلسفه و فرهنگ | ۶۷

حکمت و فرهنگ | ۶۸

نظریه اعتباریات و مسئله فطرت | ۷۰

فطرت و عرف | ۷۲

عدالت و تقوا به مثابه معیارهای داوری در باب عرف | ۷۳

جایگاه زبان، قدرت و نظم اجتماعی در نظریه اعتباریات | ۷۴

فطرت و نظریه اعتباریات به مثابه بنیاد علوم انسانی | ۷۵

بخش چهارم: نظریه اعتباریات و جامعه‌شناسی معرفت (سیدعلی سیدی‌فرد) | ۷۷

مقدمه | ۷۹

نظریه اعتباریات | ۷۹

جامعه‌شناسی معرفت | ۸۳

نظریه اعتباریات و جامعه‌شناسی معرفت | ۸۵

نتیجه‌گیری | ۹۴

مقدمه ناشر

حل مشکلات و مسائل اجتماعی، مسبوق به شناخت درست این مسائل است. راهکارهایی که مبتنی بر شناخت صحیحی از مسائل اجتماعی نباشند، نه تنها در حل این مسائل مثمر و کارآمد نیستند، بلکه گاهی وضعیت را پیچیده‌تر و حادتر می‌کنند. همچنین به دلیل پیچیدگی بسیار جوامع کنونی، از جمله جامعه خود ما، شناخت اجتماعی نیز به امری پیچیده و دشوار بدل شده است. به همین دلیل، در مواجهه با مسائل اجتماعی نمی‌توان به ارتکازات شخصی و یا چند تجربه معدود اکتفاء کرد و براساس آن‌ها به ارائه راهکار پرداخت. در چنین وضعیتی، استفاده از یک روش شناسی دقیق و منسجم ضرورت می‌یابد تا در مقام شناخت وضعیت اجتماعی، راهنمای پژوهشگر باشد. اما مشکل به همین جا ختم نمی‌شود؛ چراکه دیدگاه‌های مختلف روش شناختی مبتنی بر چارچوب‌های نظری متفاوتی هستند. این مسئله به وضوح در تفاوت روش‌های کیفی و کمی قابل مشاهده است. هرچند برخی به تفکیک روش‌های کیفی از روش‌های کمی نگاهی صرفاً عمل‌گرایانه دارند، اما با نگاه دقیق‌تری می‌توان دریافت که مبانی نظری موجود در پس این دو دسته از دیدگاه‌های روش شناختی متفاوت‌اند.

به این ترتیب، مبادی نظری نهفته در پس شناخت اجتماعی، نقش مهمی در چگونگی تکوین این شناخت دارند. سنت غنی اندیشه اسلامی نیز دیدگاه‌ها و آراء جذدی و قابل استفاده‌ای دارد که می‌توانند مبادی نظری دانش‌های اجتماعی را تأمین کنند. یکی از این نظریه‌های قابل استفاده در این زمینه، نظریه اعتباریات است که به صورت منقح و روشن، نخست توسط محقق اصفهانی رحمته‌الله ارائه شد و تدقیق و بسط آن در دیگر حوزه‌ها توسط شاگرد ایشان علامه طباطبایی رحمته‌الله

صورت پذیرفت. ایشان، این نظریه را در حوزه‌های گوناگونی نظیر معرفت‌شناسی، فلسفه عمل و تحلیل پاره‌ای از مسائل اجتماعی بسط دادند و به مرحله پختگی رساندند.

اثر حاضر با عنوان «نظریه اعتباریات و نظریه اجتماعی» حاصل ویراستاری و تنقیح چهار سخنرانی علمی است که توسط آقایان دکتر حسین هوشنگی، دکتر محسن جوادی، دکتر ابراهیم فیاض و سیدعلی سیدی فرد ارائه و در دوره‌ای آموزشی با همین نام، توسط مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام برگزار شد.

این پژوهش که از آثار مکتوب معاونت علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌باشد و به زیور طبع آراسته گشته، گوشه‌ای دیگر از فعالیت‌های این مرکز در راستای تحول در علوم انسانی را منعکس می‌سازد. این مرکز در تلاش است با انتشار آثار متناسب با مخاطبان حوزوی و دانشگاهی، به ویژه دانشجویان در حوزه مباحث علوم انسانی و علوم اجتماعی، اعم از نظری و کاربردی، گامی در راستای اعتلای اندیشه ناب اسلامی بردارد و در این راستا از دیدگاه‌های مخاطبان ارجمند درباره این اثر و نیز پیشنهادهای سازنده آن‌ها درباره موضوعات یاد شده به گرمی استقبال می‌نماید. امید است اثر حاضر به بصیرت‌های نظری برای استفاده از نظریه اعتباریات در دیگر حوزه‌های اجتماعی بیفزاید و مقدمه حل برخی مشکلات نظری در این حوزه‌ها واقع شود.

در پایان ضمن تشکر از ارائه‌کنندگان محترم این مطالب و همه دست‌اندرکاران آماده‌سازی و نشر این اثر، از هم‌سنگران معاونت علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام صمیمانه تشکر می‌نمایم.

والحمد لله اولاً و آخراً

معاونت علمی

مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام

● مقلمه

بحث «ادراکات اعتباری»، «علوم غیرحقیقیه» و یا به تعبیر علامه طباطبایی در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، «اندیشه های پنداری»، از جمله مباحثی است که برای اولین بار به صورت منسجم و در قالب یک نظریه، توسط علامه طباطبایی ارائه شد.

واژه «اعتبار» از ریشه «عَبَر» به معنای گذر کردن، عبور و مجاوزت است. این ریشه به باب افتعال رفته است و معنای لحاظ کردن و مورد نظر قرار دادن نیز پیدا کرده است؛ اما معنای ریشه لغوی این واژه، یعنی گذار و مجاوزت، همچنان در معنای اصطلاحی آن باقی مانده است.

واژه اعتبار، در حوزه فلسفه و به لحاظ اصطلاحی، واجد معانی مختلفی است. در اینجا برخی از مهم ترین معانی اصطلاحی این واژه را توضیح می دهیم:

الف) مفاهیم اعتباری به عنوان معقولات ثانیه: معقولات ثانیه، اوصافی هستند که ذهن انسان آن ها را به عنوان وصف انتزاع کرده است؛ اعم از اینکه منشأ انتزاع آن ها در عالم خارج وجود داشته باشد یا نه. اینگونه اوصاف، اوصاف انتزاعی هستند؛ به این معنا که در عالم خارج «مصادق» ندارند، بلکه صرفاً منشأ انتزاع دارند.

اگر منشأ انتزاع اوصاف مذکور در عالم خارج وجود داشته باشد و خارجاً متصف به آن اوصاف شود، «معقولات ثانیه فلسفی» نامیده می شوند؛ برای نمونه مفهوم «علیت» یک معقول ثانی فلسفی است؛ چرا که منشأ انتزاع آن یک امر خارجی است. مثلاً آتش، علت حرارت است؛ اتصاف آتش به وصف «علت بودن» نسبت

به حرارت، یک امر خارجی است. در مقابل، اگر منشأ انتزاع این اوصاف، یک امر ذهنی باشد و اتصاف آن‌ها به منشأ انتزاعشان صرفاً در ظرف ذهن تحقق پذیرد، «معقولات ثانیة منطقی» نامیده می‌شوند. برای مثال «نوعیت»، در ظرف ذهن، وصف انسان است؛ انسان به عنوان یک مفهوم کلی ذهنی واجد وصف نوعیت است.

معقولات ثانیة، اعم از فلسفی و منطقی، در مقابل «معقولات اولی» قرار می‌گیرند؛ معقولات اولی، مفاهیمی هستند که مصداق و مطابق خارجی دارند؛ مثلاً مفهوم «انسان» یک معقول اولی است؛ زیرا بر انسان خارجی صدق می‌کند و مصداق و مطابقی خارجی دارد.

ب) اعتباری، در مقابل اصیل؛ در بحث اصالت وجود یا ماهیت، «اعتباریت» در مقابل «اصالت» قرار دارد. وقتی گفته می‌شود ماهیت اعتباری است، یعنی اصالت ندارد؛ و به تعبیر دقیق‌تر، چیزی که اولاً بالذات در عالم خارج تحقق دارد وجود است؛ ماهیت به اعتبار وجود و ثانیاً بالعرض تحقق دارد. در اینجا اصالت داشتن به معنای تحقق بالذات داشتن و بُر کردن متن واقع است؛ و در مقابل، اعتباری بودن به معنای عدم تحقق بالذات و تحقق بالعرض و ثانوی است.

ج) ادراکات اعتباری، در مقابل ادراکات حقیقی؛ ادراکات اعتباری، در مقابل ادراکات حقیقی قرار دارند. این نوع ادراکات، حاصل نوعی قرارداد و مواضعه می‌باشند. مبنای تحقق چنین ادراکاتی، اعتبار ما، محسوب کردن ما و یا قلمداد کردن ماست. این نوع اعتبارات، مستقل از اراده و قرارداد ما وجود ندارند. مثلاً برای اشاره به حیلہ‌گری شخصی می‌گوییم: «فلانی رویاه است»؛ در اینجا، اتصاف شخص حیلہ‌گریه رویاه بودن، یک امر حقیقی نیست؛ بلکه بنا به قرارداد، مواضعه و اعتبار ما به چنین وصفی متصف شده است؛ ما، بنا به برخی اغراض عملی، آن شخص را متصف به چنین وصفی می‌کنیم و اتصاف آن شخص به وصف مذکور، وابسته به اراده و اعتبار ماست. دو معنای قبلی اعتباری، «معقولات ثانی» و «اعتباری در مقابل اصیل»، بنا به اصطلاح اخیر، هر دو در زمره حقایق قرار می‌گیرند. زیرا نه اتصاف معقولات ثانیة به منشأ انتزاع عینی یا ذهنی خود تابع اراده

و قرارداد ماست و نه تحقق تطفلی و بالعرض ماهیت. اینکه آتش علت حرارت است، وابسته به اراده و قرارداد ما نیست؛ همچنین تحقق هیچ کدام از ماهیت‌ها، تابع قرارداد و اراده ما نیست. مراد ما از نظریه اعتباریات، نظریه‌ای است که ناظر به همین معنای سوم از معانی اعتباری است.

ادراکات اعتباری، «اندیشه‌های ابزاری هستند»؛ ما به عنوان موجوداتی عاقل و اندیشه‌ورز، اعتبارات و قراردادها را برای وصول به هدفی ایجاد می‌کنیم. از نظر علامه، اهداف و اغراض نهفته در پس این اعتبارات، اهداف تکوینی و طبیعی ما هستند. موجودات زنده، نیازهای طبیعی و حیاتی خاصی دارند؛ رفع چنین نیازهایی در گرو تحقق برخی امور است. اعتباریات از جمله ابزارهایی هستند که ما برای وصول به آن اهداف به خدمت می‌گیریم؛ به تعبیر دیگر، اعتبارات و قراردادها، وسیله و واسطه ارضاء و رفع نیازهای حیاتی و تکوینی ما هستند. البته این اعتبارات مستقیماً باعث رفع نیازهای ما نمی‌شوند؛ بلکه آن‌ها زمینه صدور افعال و کنش‌های خاصی را فراهم می‌کنند تا از این طریق نیازهای حیاتی ما رفع شوند. در واقع اعتباریات ادراکات ناظر به عمل هستند؛ یعنی ادراکاتی که باعث صدور یا عدم صدور فعلی از شخص یا اشخاصی می‌شوند.

این معنای اعتباریات، در مقابل حقایق یا ادراکات حقیقی قرار دارد. ادراکات حقیقی، ناظر به واقع و کاشف از حقایق هستند. آن‌ها حاکی از هست و نیست‌ها می‌باشند. اما ادراکات اعتباری، ادراکات ناظر به عمل هستند؛ این ادراکات، باید و نبایدها و قواعد رفتار را معین می‌کنند. ادراکات اعتباری از سنخ گزاره‌های اخباری و حاکی از واقع نیستند؛ آن‌ها گزاره‌های انشائی هستند.

تفکیک علامه میان ادراکات حقیقی و اعتباری را می‌توان ناظر به بحث سنتی «حکمت نظری» و «حکمت عملی» دانست. حکمت نظری ناظر به واقعیات است و حکمت عملی ناظر به اراده و افعال انسان. به این ترتیب، ادراکات حقیقی موضوع حکمت نظری هستند و ادراکات اعتباری، موضوع حکمت عملی؛ نظریه اعتباریات هم تبیین‌گر حکمت عملی است.